

## مطالعه تطبیقی تعلیم و تربیت و مسائل فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام در آثار ابن بطوطه و ابن فضلان

کیومرث احمدی<sup>\*۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۸

### چکیده

سفرنامه‌نویسی یکی از سبک‌های ادبی است که در آن شخصی که به سرزمین‌های دیگر سفر کرده، دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربیات، رخدادها و احساساتش را درباره آن سرزمین‌ها برای آگاه کردن دیگران در قالب کتابی می‌نویسد. پس از ظهور اسلام و رویکرد آموزه‌های دینی به تشویق سیروسفر با انگیزه‌های مذهبی، علمی و سیاسی نگارش سفرنامه‌ها رو به فزونی نهاد. هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی- تاریخی مکتوبات دو سفرنامه‌نویس مسلمان ابن فضلان و ابن بطوطه با موضوع آموزش و تعلیم و تربیت و مسائل اجتماعی فرهنگی و مذهبی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی پدیده‌های تعلیم و تربیت به مقایسه دیدگاه‌ها و مشاهدات دو نویسنده مسلمان در قرن هشتم و چهارم در موقعیتی خاص ادراک شده، با یک روش علمی و با رویکردی ذهنی در قالب مباحث اجتماعی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دو سفرنامه‌نویس مسلمان علیرغم این که در دو قرن متفاوت زندگی می‌کردند با روش توصیفی تلاش نموده‌اند، اطلاعات قابل توجه به مسائل آموزش، تعلیم و تربیت و مسائل اجتماعی و فرهنگی و مذهبی این دوره‌های تاریخی را تبیین و به رشته تحریر درآورند. اطلاعاتی را درباره نهاد آموزش و تربیت، مکتب‌خانه و مدارس علمیه، خانقاه‌ها، آموزش دختران، تأمین هزینه‌های تحصیل آن‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی مذهبی از دیدگاه دو سفرنامه‌نویس مسلمان در دو قرن متفاوت پرداخته است.

واژگان کلیدی: ابن فضلان، ابن بطوطه، تعلیم و تربیت، آموزش، اجتماعی فرهنگی، مذهبی.

۱. دکتری تاریخ اسلام، گروه علوم انسانی، مرکز شهدای مکه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول: K.ahmadi87@yahoo.com

از مهم‌ترین میراث‌های به‌جامانده از گذشته، نوشته‌هایی است که حاصل سفر سفرنامه‌نویسانی است که تلاش کرده‌اند تا صورتی زنده از دنیایی که با آن روبرو شده‌اند، در قالب سفرنامه برای آیندگان به یادگار بگذارند. از این رهگذر، سفرنامه‌نویسی، به بیان حوادث و وقایعی می‌پردازد که شخص راوی و مشاهده‌گر تلاش کرده تا دریافت خود را از مناطقی که بدان گام نهاده یا درباره آن شنیده برای مخاطبان خود بازگو کند. این قبیل نوشته‌ها در تاریخ بشریت از دیرباز رواج داشته است و با ظهور اسلام و تشویق مسلمانان به سیروسفر در عالم، این قبیل نوشته‌ها رو به فزونی نهاد. هدف عمده از این نوشته‌ها، تبلیغ اسلام بود. از جمله این سفرنامه‌ها که در تاریخ اسلام بسیار حائز اهمیت هستند، سفرنامه ابن‌فضلان، سفیر ارسالی خلیفه و سفرنامه ابن‌بطوطه است. در خصوص سفرنامه ابن‌فضلان و ابن‌بطوطه مطالعاتی فراوانی صورت گرفته است، از آن جمله می‌توان به نوشته میرزا محمدخان بهادر (۱۳۱۴) در خصوص سفرنامه ابن‌بطوطه، دوپویگودو ترجمه غلامرضا سمیعی، ثقفی (۱۳۷۵)، رودگر (۱۳۷۶)، ذکاوتی قراگزلو (۱۳۷۷)، نصیب (۱۳۸۲) که نگاهی مردم‌شناسانه به اثر ابن‌بطوطه دارد، هاشمی (۱۳۸۳) که به نقد شیوه نگارش رساله ابن‌فضلان می‌پردازد، تکمیل همایون (۱۳۸۵) سفرنامه ابن‌فضلان را از جهت اهمیتی که این سفرنامه در بحث شناخت تاریخ آسیای مرکزی، اقوام خزر و اسلاو دارد بررسی کرده، حسن حبیبی (۱۳۸۵)، گراوند (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بحث سفرنامه‌نویسی و مسافران می‌پردازد. او در کارش ابن‌فضلان، ابن‌جیبر و ابن‌بطوطه را به عنوان نمونه موردی، بررسی کرده و به ابعاد مختلف سفرنامه این افراد در مقایسه با یک دیگر تلاش نموده است. بهمنی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود ابن‌فضلان، ناصرخسرو و ابن‌بطوطه را مورد بررسی قرار داده است. سفرنامه در زبان عربی با عنوان «رحاله» آمده است. در خصوص معنای لغوی این اصطلاح گفته‌اند که، «الرحل» و «الرحله» به معنای جهاز و مرکب شتر، مسکن و اثاثیه منزل آمده است. «یرحل، رحلا، رحیلا و ترحالا» رفتن معنا شده است. چنان که گویند «ارتحل القوم» «انتقلوا» (وجدی، بی‌تا: ۴ / ۲۰۱). همچنین عبارت «ارتحل البعیر رحله» معنای عزیمت و حرکت شتر را در بردارد و واژه «الرحله» به ضم را به معنای مقصد و سر منزل و به کسر آن به معنای مقصد و سر منزل

و به کسر آن به معنای سفر، کوچ و مهاجرت دانسته‌اند. کلمات «الترحیل، الإرتحال و الترحیل» نیز همگی به معنای کوچ، سفر و مهاجرت است (ابن منظور، ۱۹۵۵م: ۱۱/۷۶-۲۷۴؛ آئینه‌وند و گراوند، ۱۳۹۰: ۳). از نظر اصطلاحی واژه سفرنامه را «نوعی تألیف دانسته‌اند که شامل عنصر عمیق درونی، تأمل دقیق در مشاهدات، ظواهر و همچنین به دنبال علل و نتایجی با بصیرتی آگاهانه می‌گردد»، تعریف کرده‌اند (آئینه‌وند و گراوند، ۱۳۹۰: ۳). همچنین سفرنامه را باید حاصل تجربه شخصی دانست که در آن نویسنده برحسب نوع آگاهی و میزان درکی که از جهان پیرامون دارد به بازگو کردن و تصویرگری می‌پردازد. در این نوع تصویرگری، دیدگاه نویسنده بسیار حائز اهمیت است. چنان‌که مسافری که خود فقیه یا جغرافیدان یا غیره آن باشد به جنبه‌هایی از جزئیات توجه خواهد کرد که بیشتر نسبت نزدیکی را با دیدگاه وی داشته باشد. سفرنامه‌ها بر حسب انگیزه‌های نگارشی قابل تقسیم‌بندی هستند. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌هایی که سبب شده تا سفرنامه در جهان اسلام طرفدار داشته باشد، مسأله حج بود. سفرنامه ابن بطوطه از این نوع به شمار می‌رود. از دیگر انگیزه‌های سفرنامه‌نویسی طلب علم بود. از دیگر انگیزه‌های سفرنامه‌نویسی، ارسال هیئت‌های سیاسی و سفرا به نواحی گوناگون و نگارش سفر مذکور از سوی سفیر بود. چنان‌که سفرنامه ابن فضلان حاصل این نوع هدف است. ابن بطوطه نیز در دیار هند از سوی حاکم وقت هند به عنوان هیئتی به جزایر سرانندیب و سیلان فرستاده می‌شود.

#### ۱. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش گردآوری اطلاعات، کیفی با استفاده از روش تطبیقی و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای استفاده شده، حوزه پژوهش دربرگیرنده اطلاعات و محتوای دو سفرنامه‌نویس بوده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش اسنادی استفاده شد. بدین منظور با مراجعه به اسناد موجود در کتابخانه‌ها، سایت‌های علمی و... با کمک فیش‌برداری مطالب مورد نیاز تهیه و بر اساس چهارچوب تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. روش تطبیقی-تاریخی به توصیف و تحلیل ویژگی‌ها و شرایط تاریخی سه دسته مباحث مرتبط با مسائل آموزش و تعلیم و تربیت، مسائل اجتماعی و فرهنگی و مسائل دینی از دیدگاه دو سفرنامه‌نویس مسلمان در دو قرن متفاوت پرداخته است. این پژوهش با مطالعه و بررسی عمقی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و استخراج نکات مرتبط از

گزارش‌های تاریخی مورخان فوق‌الذکر که حاصل مشاهدات مستقیمشان از اوضاع و احوال آموزش اجتماعی فرهنگی و دینی جوامع خود بوده‌اند انجام گرفته است.

## ۲. مسائل آموزش و تعلیم و تربیت از منظر ابن بطوطه و ابن فضلان

پیش از تاسیس مدارس جدید، امر تعلیم بیشتر در مساجد متمرکز بود و بدین‌گونه تعلیم و تعلم، جزئی از عبادات به شمار می‌رفت. ابن بطوطه که خود اهل دانش بوده، به مراکز و مدارس علمی توجهی خاص داشته است. نحوه واکنش ابن بطوطه در این زمینه نشان از کنجکاوی و دقت وی در شناسایی علما و مراکز و محافل علمی دارد. او نشست و برخاست خود را بیشتر با فقها و علما و محل سکونت خود را بیشتر در مدارس و مراکز علمی قرار می‌داده است تا شناختی بی‌واسطه از جریان دانش در بلاد اسلامی داشته باشد در سفرنامه خود به آموزش در شهرها و نواحی مختلف مانند مدارس مکه، مصر، بغداد، دمشق و شوشتر اشاره می‌کند و تاکید دارد که آموزش عمدتاً در مراکز مذهبی و علمی صورت می‌گرفته. ابن بطوطه به نقش علمای بزرگ را در تربیت شاگردان و انتقال علم به نسل‌های بعدی بسیار مهم می‌داند. او در سفر خود به شهرها به ملاقات علمای بزرگ پرداخته و در مورد تأثیر تدریس این علمای برجسته بر کیفیت و نوع آموزش تأکید داشته. بسیاری از مراکز آموزشی جهان اسلام، مدارس دینی بودند. این مدارس بیشتر در مساجد و یا در کنار آنها تاسیس می‌شدند و تمرکز اصلی بر تدریس علوم دینی مانند قرآن، حدیث، فقه و علوم اسلامی بود. قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع علمی و دینی شناخته می‌شد و در اکثر مراکز آموزشی که او به آن‌ها سفر کرده، تدریس قرآن و تفسیر آن جزو برنامه اصلی آموزش بوده است.

مهم‌ترین ساختار آموزشی قرن هشتم «مکتب‌خانه‌ها و مدارس علمیه» و در برخی وارد خانقاه‌ها بوده‌اند. از مشهورترین مدارس علمیه‌ای که ابن بطوطه آنها را به تفصیل توصیف می‌کند، می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ مدرسه مظفریه مکه (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۸۹، ۲۰۲ - ۲۰۱) مدارس مصر: «مدرسه بغداد» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۷۲) مدرسه دمشق (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۴۸)، و مدرسه شوشتر: در مورد مدرسه شوشتر این چنین می‌گوید: «من شانزده روز در این مدرسه ماندم؛ نه نظم و ترتیب آن را درجایی دیده‌ام و نه لذیذ تراز غذاهای آنجا غذایی خورده‌ام» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۴۰). این مدارس بیشتر زیر نظر

فقها و علمای شهر اداره می‌شد و انواع دروس، از قبیل قرآن، فقه و حدیث، ریاضی و ادبیات و شعر در آن تدریس می‌شده است. رسم ایرانیها بر این است که سؤالات خود را در رقعها می‌نویسند و بسوی واعظ می‌اندازند و او یکایک پرسش‌ها را پاسخ می‌دهد (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۴۰). در خصوص نیشابور می‌گوید این شهر دمشق کوچک می‌نامند، این شهر دارای مسجد زیبایی است که در وسط بازار است. و چهار مدرسه در کنار آن واقع شده و آب فراوانی در آن‌ها جاری است. گروه انبوهی از طلاب در این مدرسه‌ها مشغول فراگرفتن فقه و قرآن هستند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۴۱).

از دیگر مراکز آموزشی مهم در قرن هشتم که البته کاربردهای فراوان دیگری داشته، «خانقاه» بوده است. خانقاه‌ها را غالباً خیرین، اعم از پادشاهان، حاکمان، درباریان و تجار بنا می‌کردند و برای هزینه‌های جاری خانقاه، موقوفاتی را در کنار آن وقف می‌کردند تا مردم از فواید و خدمات آن بهره‌مند شوند. می‌توان ادعا کرد که ابن بطوطه در هر شهر و دیاری که وارد می‌شده، ابتدا سراغ خانقاه‌ها می‌گرفته و در آنجا اتراق می‌کرده است بنابراین از امور خانقاه آگاهی زیادی داشته و توصیفات مفصلی از خانقاه‌ها کرده است؛ از جمله اینکه در خانقاه‌ها به امور تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان پرداخته می‌شده است: «مردم جوان‌های خود را به این خانقاه‌ها می‌سپردند، جوانی که تازه به آنجا می‌پیوست نوآموز و «تربیه» خوانده می‌شد. اخی به تربیه حالی می‌کند که مواظب گفتار و رفتار اوست و حرکات و سکنت وی را زیر نظر دارد (موحد، ۱۳۹۳: ۲۸۵).

از موارد دیگر که ابن بطوطه به آن اشاره می‌کند، مدرسه «سیاره» است، مدرسه‌ای با استادان و شاگردان و کتاب‌ها که مخصوص اردوی سلطانی بوده است. از ویژگی‌های مهم آموزگاران و مربیان آن دوره، توجه به «معنویت و اخلاق» بوده است که البته خلاف آن هم دیده شده است. ولی عمده‌ی متعلمین به جد سعی داشتند خود را به اخلاق، تعبد و زهد در برابر دنیا ببارانند. (ابن بطوطه، ۱۳۹۳: ۴۰۹ و ۳۷۳؛ موحد ۱۳۹۳: ۲۲۶)، ابن بطوطه به «جایگاه اجتماعی» دانشمندان هم بسیار اشاره دارد که نشان می‌دهد جامعه آن روزگار، جایگاه ویژه‌ای برای علما و بزرگان خود قائل بوده؛ به گونه‌ای که گاهی مردم حاضر بودند از جان خود برای دفاع از آنان بگذرند و در مقابل متعرضین به ایشان، دست به شمشیر ببرند (ابن بطوطه، ۱۳۹۵: ۴۱۲، ۳۵۲، ۳۷۸). سوادآموزی در قرن هشتم برای دختران و زنان نیز از موارد مهم و مورد توجه ابن بطوطه بوده است. اکثریت دختران

وزنان علاوه بر اینکه زمینه‌های مساعدی برای یادگیری و آموزش آن‌ها فراهم نبوده است، از سوادآموزی منع هم شدند. با وجود این، زنان بسیاری بوده‌اند که کمر همت بسته و از خرافات و موانع اجتماعی سوادآموزی عبور کرده و به درجات بالای علمی رسیده‌اند. ابن بطوطه در شیراز (مسند امام شافعی) را از قاضی مجدالدین سماع کرد و او خود آن را از وزیر، دختر عمر بن سعد سماع کرده بود؛ و این وزیر، زنی فقیه و محدثه بود. دیگر بار ابن بطوطه در بغداد (مسند دارمی) را از امام سراج‌الدین عمر قزوینی سماع کرد و او خود، آن را از بانویی به نام ست الملوک سماع کرده بود (موحد، ۱۳۹۳: ۱۶۶). دبستان و مدرسه مخصوص دختران، و شهری که همه زنان آنجا حافظ قرآن بودند، از موارد جالبی است که ابن بطوطه به آن اشاره کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۹۵: ۷۴۸ - ۷۴۹). نذورات و موقوفات متدینین، اصلی‌ترین منبع تأمین هزینه‌های تحصیلی طلاب و حق‌الزحمه استادان مدارس علمیه بوده است. (ابن بطوطه، ۱۳۹۵: ۲۵۲)

### ۳. مسائل اجتماعی فرهنگی و مذهبی از دیدگاه ابن فضلان و ابن بطوطه

توجه به مسائل فرهنگی و تمدنی اقوام و ملل از دیگر جنبه‌های سفرنامه‌نویسی ابن بطوطه است. او به هر شهری که قدم نهاده تلاش کرده تا مظاهر تمدنی آن دیار را به تصویر بکشد و از آداب و رسوم و مسائل فرهنگی آن تا آنجا که خواننده را کفایت کند، سخن بگوید. از نمونه‌های این قبیل توجهات می‌توان:

کلیسای بزرگ قسطنطنیه: «آنچه درباره این کلیسا می‌گویم وصف بیرون آن است، من داخل آن را ندیدم. این کلیسا را ایاصوفیا می‌نامند و می‌گویند که بانی آن آصف بن برخیا پسر خاله سلیمان نبی بوده است. ایاصوفیا از بزرگ‌ترین کلیساهای روم است و باروئی دارد که گرداگرد آنرا فراگرفته است چنانکه کلیسا خود مانند شهری می‌نماید و سیزده در دارد و در حدود یک میل وسعت محوطه حرم کلیسا است و دروازه بزرگی دارد که احدی را از ورود به آن مانع نمی‌شوند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱-۴۲۵). مانیستارها: «مانیستار شبیه لفظ مارستان است که در آن را و نون جای خود را عوض کرده باشد و آن در میان نصاری مانند خانقاه است در میان مسلمانان». امام عالم، قطب‌الدین نیشابوری، یکی از وعاظ دانشمند و صالح نیشابور است که زاویه‌ای تیز در آن جا بنا نهاده و من در خانه‌ی او منزل کردم. شیخ اکرام بسیار در حق من فرمود و پذیرایی گرمی

کرد و کرامت‌های عجیبی از او دیدم. وی راجع به (حویزا) می‌گوید: شهر کوچکی است که ساکنان آن عجم‌اند و مسافت میان آن و بصره، چهار روز و بین بصره و کوفه پنج‌روز است. از آنجا به بصره رفته و از بصره از راه بیابانی که جز یک جا آبی در آن نبوده به کوفه رفته و سپس به (حله) سپس به (کربلا) مشهد امام حسین رفته است. درباره کربلا می‌گوید: شهر کوچکی است و اهالی آن دو طایفه‌اند که دائماً میان آنها جنگ دایر است، با این که هر دوی آنان (امامی) اند و به یک پدر می‌رسند و به همین سبب، شهر خراب شده است.

توجه به فرهنگ و تمدن از مسائل مهم هر ملت و نماد هویت و شخصیت آن مردم است زیرا بن‌مایه رفتار، گفتار، آداب و سنت‌های آنان می‌باشد. از این رو، نگاه و توجه ابن‌فضلان به امور فرهنگی و تمدنی ساکنان این مناطق، شناختی زیربنایی به ما می‌دهد و روی آوری مورخان امروزی به تاریخ فرهنگ‌ها برخاسته از همین مسئله زیربنایی است (بارانی، بی‌تا).

ابن‌فضلان نقل می‌کند که وقتی به قبیله غزیه رسیدیم دیدیم که مردم، بادیه نشین هستند و در چادری زندگی می‌کنند که از مو درست شده و به هر جا که مناسب باشد تغییر مکان می‌دهند.

او یکی از رسم‌های جاهلیت عرب را ذکر می‌کند که در میان این‌ها نیز وجود داشته است. طبق این رسم وقتی مردی از دنیا می‌رفت و از او زنان و اولادی باقی می‌ماند، بزرگ‌ترین پسر او حق داشت که زنان او را برای خود اختصاص دهد مگر این که آن زن، مادر خودش باشد. این مسئله درخور توجه است زیرا بین حجاز و شمال خزر فاصله زیادی است و رفت و آمد نیز به دلیل شرایط جغرافیایی حاکم بر هر دو منطقه، بسیار سخت و دشوار بوده، شاید بتواند شاهی بر ریشه واحد فرهنگ‌ها باشد.

از ویژگی‌های دیگر فرهنگی، تربیت فرزند است که وقتی نوه‌ای به دنیا می‌آمد او را به پدر بزرگ می‌دادند تا تربیت کند (همان: ۹۰، ۹۲).

از دیگر رسوم فرهنگی آنان این بود که در مرگ کسی زنان گریه نمی‌کردند بلکه مردان تا دو سال گریه می‌کردند. بعد از دو سال نزدیکان مرده را دعوت می‌کردند تا از اندوه و عزا خارج شوند و اگر مرده، زن داشت ازدواج می‌کرد. البته این رسم در میان بزرگان بود ولی مردم نیز آن را انجام می‌دادند.

عدم رعایت بهداشت و نظافت یکی از امور بسیار ناراحت کننده بوده که نویسنده به آن توجه داده است مثلاً همه افراد خانواده برای شستن دست و صورت و بینی به نوبت از یک ظرف آب استفاده می‌کردند که هر خواننده‌ای را به تنفر و انزجار وا می‌دارد. تقریباً در تمام این مناطق چه در جرجانیه و چه در قبیله صقالبه و خزر، آداب و رسوم یکسانی وجود داشت. مردم آن سرزمین به مهمان کمک زیادی می‌نمودند مثلاً اگر غریبی که همراه یک قافله بود به یک ترکی عبور می‌کرد و به او می‌گفت که من مهمان تو هستم و از تو حیوان و درهم می‌خواهم، به او می‌داد. زمان برگشت قافله اگر آن شخص را می‌دید پس می‌گرفت و در غیر این صورت، به همان اندازه از کاروان دریافت می‌کرد و آن گاه کاروان از شخص قرض گیرنده غریب، آن اموال را می‌گرفت.

فرهنگ به دستاوردهای معنوی جوامع گفته می‌شود و تمدن، دستاوردهای مادی جوامع است. فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند. ابن‌فضلان و ابن‌بطوطه در مسیر حرکت خود و در مکان‌هایی که اقامت موقت گزیده‌اند، تلاش کرده‌اند تا مسائل فرهنگی و تمدنی آن مردمان را برای مخاطبین خود به تصویر بکشند. از آنجایی که توجه به فرهنگ و تمدن از مسائل مهم هر ملت و نماد هویت و شخصیت جوامع و بُن‌مایه رفتار، گفتار، آداب و سنت‌های آنان می‌باشد، سفرنامه‌نویسان اسلامی در سیر آفاق خود به آن پرداخته‌اند (بارانی، بی‌تا).

### ۳-۱. چگونگی زندگی روزمره زندگی

ابن‌فضلان نقل می‌کند که وقتی به قبیله غزیه رسیدیم دیدیم که مردم، بادیه نشین هستند و در چادری زندگی می‌کنند که از مو درست شده و به هر جا که مناسب باشد تغییر مکان می‌دهند.

### ۳-۲. فرهنگ ارث و میراث خانوادگی

او یکی از رسم‌های جاهلیت عرب را ذکر می‌کند که در میان روس‌ها نیز وجود داشته است. طبق این رسم وقتی مردی از دنیا می‌رفت و از او زنان و اولادی باقی می‌ماند، بزرگ‌ترین پسر او حق داشت که زنان او را برای خود اختصاص دهد مگر این که آن زن، مادر خودش باشد. این مسئله درخور توجه است زیرا بین حجاز و شمال خزر فاصله زیادی است و رفت و آمد نیز به دلیل شرایط جغرافیایی حاکم بر هر دو منطقه، بسیار سخت و دشوار بوده، شاید بتواند شاهدی بر ریشه واحد فرهنگ‌ها باشد.

**۳-۳. تربیت فرزند**

از ویژگی‌های دیگر فرهنگی صقالبه، تربیت فرزند است که وقتی نوه‌ای به دنیا می‌آید او را به پدر بزرگ می‌دادند تا تربیت کند (همان: ۹۰، ۹۲).

**۳-۴. آداب و رسوم تعزیه**

از دیگر رسوم فرهنگی آنان این بود که در مرگ کسی زنان گریه نمی‌کردند بلکه مردان تا دو سال گریه می‌کردند. بعد از دو سال نزدیکان مرده را دعوت می‌کردند تا از اندوه و عزا خارج شوند و اگر مرده، زن داشت ازدواج می‌کرد. البته این رسم در میان بزرگان بود ولی مردم نیز آن را انجام می‌دادند.

**۳-۵. بهداشت فردی و جمعی**

عدم رعایت بهداشت و نظافت یکی از امور بسیار ناراحت کننده بوده که نویسندگان به آن توجه داده است مثلاً همه افراد خانواده برای شستن دست و صورت و بینی به نوبت از یک ظرف آب استفاده می‌کردند که هر خواننده‌ای را به تنفر و انزجار وا می‌دارد.

**۳-۶. فرهنگ مهمان نوازی**

تقریباً در تمام این مناطق چه در جرجانیه و چه در قبیله صقالبه و خزر، آداب و رسوم یکسانی وجود داشت. مردم آن سرزمین به مهمان کمک زیادی می‌نمودند مثلاً اگر غریبی که همراه یک قافله بود به یک ترکی عبور می‌کرد و به او می‌گفت که من مهمان تو هستم و از تو حیوان و درهم می‌خواهم، به او می‌داد. زمان برگشت قافله اگر آن شخص را می‌دید پس می‌گرفت و در غیر این صورت، به همان اندازه از کاروان دریافت می‌کرد و آن گاه کاروان از شخص قرض گیرنده غریب، آن اموال را می‌گرفت.

برخلاف ابن فضلان، ابن بطوطه مسائل تمدنی و عمران را نیز در توصیف مناطق انجام داده است. او به هر شهری که قدم نهاده تلاش کرده تا مظاهر تمدنی آن دیار را به تصویر بکشد و از آداب و رسوم و مسائل فرهنگی آن تا آنجا که خواننده را کفایت کند، سخن بگوید. از نمونه‌های این قبیل توجهات می‌توان:

**۳-۷. توصیف عمران و شهرسازی**

کلیسای بزرگ قسطنطنیه: «آنچه درباره این کلیسا می‌گویم وصف بیرون آن است، من داخل آن را ندیدم. این کلیسا را ایاصوفیا می‌نامند و می‌گویند که بانی آن آصف بن برخیا پسر خاله سلیمان نبی بوده است. ایاصوفیا از بزرگ‌ترین کلیساهای روم است و باروئی

دارد که گرداگرد آنرا فراگرفته است چنانکه کلیسا خود مانند شهری می‌نماید و سیزده در دارد و در حدود یک میل وسعت محوطه حرم کلیسا است و دروازه بزرگی دارد که احدی را از ورود به آن مانع نمی‌شوند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۲۵).

مانیستارها: «مانیستار شبیه لفظ مارستان است که در آن را و نون جای خود را عوض کرده باشد و آن در میان نصاری مانند خانقاه است در میان مسلمانان».

امام عالم، قطب الدین نیشابوری، یکی از وعظ دانشمند و صالح نیشابور است که زاویه‌ای تیز در آن جا بنا نهاده و من در خانه‌ی او منزل کردم. شیخ اکرام بسیار در حق من فرمود و پذیرایی گرمی کرد و کرامت‌های عجیبی از او دیدم. وی راجع به (حویزا) می‌گوید: شهر کوچکی است که ساکنان آن عجم‌اند و مسافت میان آن و بصره، چهار روز و بین بصره و کوفه پنج‌روز است. از آنجا به بصره رفته و از بصره از راه بیابانی که جز یک جا آبی در آن نبوده به کوفه رفته و سپس به (حله) سپس به (کربلا) مشهد امام حسین رفته است. درباره کربلا می‌گوید: شهر کوچکی است و اهالی آن دو طایفه‌اند که دائماً میان آنها جنگ دایر است، با این که هر دوی آنان (امامی) اند و به یک پدر می‌رسند و به همین سبب، شهر خراب شده است.

#### ۴. مسائل دینی مورد توجه ابن فضلان و ابن بطوطه

توجه به مسائل دینی از مهم‌ترین دغدغه‌های ابن فضلان و ابن بطوطه بوده است: به دلیل این که ابن فضلان یک عالم دینی بوده، در تمام مراحل سفر، به امور عبادی و مذهبی توجه ویژه داشته و دین و اعتقادات مردم این نواحی را بیان کرده و در برخی موارد از شدت تعجب و تعصب آنان را به موجوداتی تشبیه کرده است مثلاً می‌گوید: اهل غزیه مردمانی مانند حیوان راه گم کرده بودند چون دینی نداشته و به عقل عمل نمی‌کردند و بزرگان خود را ارباب می‌دانستند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۶۹). او نقش خدا و عقل را یکی از مؤلفه‌های انسانی شمرده و از این رو آنان را از انسانیت به دور دانسته است. ابن بطوطه به مانند ابن فضلان مسائل دینی را از نظر دور نداشته است: «مردم خوارزم درباره نماز رسم پسندیده‌ای است که در هیچ جای دیگر نیست. بدین تفصیل که مؤذنین مساجد هنگام نماز، خانه‌هایی را که در مجاورت مسجد واقع شده خبر می‌کنند و آنان را به نماز فرا می‌خوانند و هر کس سر نماز حاضر نشود امام مسجد در ملاً عام تازیانه‌اش می‌زند.

در هر مسجد تازیانه‌ای آویخته‌اند که برای این کار است و گذشته از شلاق زدن پنج دینار هم از این گونه اشخاص جریمه می‌گیرند که به مصرف احتیاجات مسجد و اطعام فقرا و مساکین می‌رسد. می‌گویند این رسم از قدیم الایام در میان خوارزمیان معمول بوده است» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳۵).

تمرکز بر روی بهداشت فردی: مسئله دیگر رعایت نکردن پاکی و تمیزی است که در مورد مردم غز می‌گوید: این مردم طهارت نمی‌گیرند، غسل جنابت و شستشو نمی‌کنند و با آب بخصوص در زمستان سروکاری ندارند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۶۹).

بیان اعتقادات دینی مردم: ابن فضلان اعتقادات مردم باشغرد را چنین بیان می‌دارد: برخی از این ترک‌های باشغرد به دوازده خدا، مانند خدای زمستان، بهار، باران، باد، مرگ، درخت، حیوان، شب، روز، زمین و آب اعتقاد داشتند. خدای آسمان بزرگ‌ترین خدای آن‌هاست (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۸۰). در هنگام گرفتاری در حالی که سر خود را به سوی آسمان بلند می‌کردند، به زبان ترکی می‌گفتند بیر تنکری که به معنای خدای واحد و یکتاست و اعتقاد فطری آن‌ها را به خدای یگانه می‌رساند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۶۹). ابن بطوطه نیز اعتقادات دینی مردم روزگار خود را به نحو احسن بازگو می‌کند. از آنجمله، برخی از آداب و رسوم شیعیان در قرن هشتم هجری به روایت ابن بطوطه است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳۲).

بیان مناسک دینی و آداب و رسوم تشیع جنازه مسلمان و غیرمسلمان: مطلب دیگری که ابن فضلان به آن توجه کرده، رعایت مراسم و آداب غسل و دفن مرده مسلمان است که در منطقه شاه صقالبه به آن عمل می‌کردند که بیان گر اعتقاد آن‌ها به احکام دین و جایگاه دین نزد این مردمان است. او تنها به ذکر جزئیات آداب و رسوم مسلمانان در خصوص مردگان اشاره نمی‌کند بلکه از رسومات برخی اقوام ترک که غیرمسلمان هستند، گزارش می‌دهد. «هرگاه مردی از ایشان بیمار شود و غلام و کنیز داشته باشد، آن‌ها به خدمتش می‌ایستند و هیچیک از کسانی که به او نزدیک نمی‌شود. برای شخص بیمار در گوشه‌ای از خانه چادری برپا می‌کنند. او همچنان در چادر می‌ماند تا بمیرد یا بهبودی یابد» (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۵-۷۴) مسائل حقوقی و ارثی: درباره سهم ارث نیز می‌گوید که برادران از مرده ارث می‌بردند ولی فرزندان محروم بودند که ابن فضلان درست نبودن این حکم را به شاه صقالبه گوشزد می‌کند.

جریان شناسی فرق اسلامی: از نمونه‌های دیگری که ابن بطوطه در حوزه مسائل دینی مطرح کرده، بیان فعالیت و چگونگی شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های مذهبی در عالم اسلامی زمانه خودش است. او به یکی از این موارد در هرات ذیل «فعالیت‌های گروه امر به معروف» اشاره دارد (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۶۶).

#### ۱-۴. امور معنوی جوامع

از دیگر مباحث پیرامون مردم شناسی که در رساله ابن فضلان بازتاب دارد، امور معنوی که شامل زبان، چگونگی زندگانی اجتماعی، مطالعه در عقاید دینی و مذهبی و سیر تاریخی اقوام و مهم‌ترین آن توده شناسی است.

در مسأله زبان اقوام مختلف، ابن فضلان تفاوت‌ها را به صورت واضح بیان می‌کند. در خصوص زندگی اجتماعی مناطق مختلفی که او بدان پا نهاده به همین نحو عمل نموده است. او در این میان به نوعی نگاه تطبیقی نیز همت گماشته است و تفاوت و شباهت اقوام و قبایل را بررسی کرده است. چنان که در مقایسه قبیله پچنگاگ و غز اشاره دارد که پچنگاگ‌ها بر عکس غزها مردمی فقیرند (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۸). یا در خصوص جزئیات زندگی اجتماعی نکات قابل تاملی بیان می‌کند: «در شهر متعلق به قبیله‌ای از ترک‌ها معروف به باشگرد توقف نمودیم. ما از آن‌ها بسیار بیمناک بودیم. زیرا این جماعت شروترترین و کثیف‌ترین ترک‌ها و سخت‌ترین ایشان در آدم‌کشی می‌باشند. ناگهان می‌بینید مردی مرد دیگری را به زمین انداخته سر او را می‌برد و آنرا بر می‌دارد و بدنش را رها می‌کند. آن‌ها ریش خود را می‌تراشند و شپش می‌خورند. بدین شکل که درزهای نیم‌تنه خود را جستجو کرده شپش‌ها را با دندان جویده می‌خورند» (ابن فضلان، ۱۳۵۶: ۷۹).

از دیگر مباحث پیرامون مردم شناسی که در رساله ابن بطوطه بازتاب دارد، امور معنوی که شامل زبان، چگونگی زندگانی اجتماعی، مطالعه در عقاید دینی و مذهبی و سیر تاریخی اقوام و مهم‌ترین آن توده شناسی است. او در توصیف شهر سرا که پایتخت سلطان اوزبک بود می‌نویسد: «مردم این شهر از طائفه‌های مختلف‌اند. سکنه اصلی از مغولان می‌باشند که حکومت نیز در دست آنان است و برخی بدین اسلام درآمده‌اند. طوائف دیگری که در این شهر سکونت دارند عبارت‌اند از آس‌ها (اوست‌ها) که مسلمان‌اند و قبیچاق‌ها و چرکس‌ها و روس‌ها و رومی‌ها که همه مسیحی‌اند. هر طائفه

در محله علیحده‌ای می‌نشیند که بازار و دکاکین جداگانه دارد» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۴۳۲).

#### ۴-۲. عقاید دینی و مذهبی اقوام

بحث دیگری که در دیگاه ابن‌فضلان دور نمانده و در چارچوب مسأله مردم‌شناسی قابل طرح است، بررسی و بیان عقاید مذهبی و دینی اقوام و مللی که او مشاهده کرده است. «گروهی از ایشان را دیدم مار را می‌پرستیدند. طایفه دیگر آن‌ها ماهی و جمعی هم درنا را پرستش می‌نمودند» (ابن‌فضلان، ۱۳۵۶: ۸۰). در خصوص همین بیان مذاهب و عقاید اقوام می‌نویسد: «در میان ایشان کسانی هستند که به وجود دوازده خدا معتقدند: خدای زمستان، خدای تابستان، خدای باران، خدای باد، خدای درخت، خدای مردم، خدای چهارپایان، خدای آب، خدای شب، خدای روز، خدای مرگ و خدای زمین» (همان).

بحث دیگری که در دیگاه ابن‌بطوطه دور نمانده و در چارچوب مسأله مردم‌شناسی قابل طرح است، بررسی و بیان عقاید مذهبی و دینی اقوام و ملل مختلف است. مهم‌ترین اطلاعاتی که ابن‌بطوطه از آن سخن گفته، کیفیت انجام برخی امور مذهبی در نزد غیرمسلمانان است. «قربانی انسان در رودخانه گنگ» نمونه خوبی از این موارد است: «مردم هند در مورد غرق هم این مراسم را دارند. بسیاری از آنان خود را در نهر گنگ غرق می‌کنند. گنگ رودخانه مقدس هندویان است که برای حج به زیارت آن می‌روند و خاکستر اشخاص را هم که می‌سوزانند در همین رودخانه می‌ریزند و می‌گویند که سرچشمه آن از بهشت است» (ابن‌بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/۳۸).

سفر ابن‌فضلان در زمان مقتدر خلیفه عباسی رخ داد. مقتدر در سال ۲۹۵ ق در سن سیزده سالگی به خلافت برگزیده شد. حکومت او توسط مادر، زنان و خادمان درباری اداره می‌شد و خودش به لذت‌ها و مجالس لهو و لعب مشغول بود. در مقابل دوره ابن‌بطوطه همزمان بود با روی کار آمدن بنی مرین در مغرب اقصی. آنان در دهه‌های نخست قرن هفتم هجری موفق به تشکیل دولت در مغرب اقصی شدند و حدود دو و نیم‌قرن یعنی تا اواخر قرن نهم هجری به حیات خود ادامه دادند. دولت بنی مرین در بخش اعظم حیات خود دولتی مقتدر و با شکوه بود که کارنامه ارزنده‌ای را در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی از خود به جای گذاشت. دوران حکومت

آنان در مغرب مصادف با آشفته‌گی های بزرگ در شرق و غرب عالم اسلامی بود. در مقابل مغرب تحت سیطره بنی مرین، به منطقه‌ای تبدیل شد که مردم و نخبگان توانستند در آن با آرامش زیست نمایند. همین امنیت و ثبات است که مغرب اقصی را در این دوره به مقصد مهاجران فراوان (بویژه نخبگان) از شرق و اندلس تبدیل می‌کند. از دیگر سو اهتمام سلاطین بنی مرین به عمران و آبادانی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و رشد اصناف و صاحبان حرف، مغرب اقصی قرون هفت و هشت هجری را به مقصدی مطمئن برای فعالان اقتصادی، تاجران و صاحبان حرف تبدیل کرد. اما مهم‌تر از همه، سیاست‌ها و رویکرد سلاطین مرینی در عرصه علمی و فرهنگی است (برومند اعلم و انارکی، ۱۳۹۱: ۵۹).

۱- قرن چهارم هجری از لحاظ سیاسی، دوران ضعف خلافت عباسی است و از جهت دیگر، دوران رونق تمدن اسلامی بود. در این قرن، علوم از جهات گوناگونی پیشرفت محسوسی داشتند، به ویژه نوشته‌های جغرافیایی با زبان عربی به عنوان جنبشی مستقل به اوج رسید، کتاب‌های متعددی پدید آمد. عصر موحدون با توجه به رویکرد خاص مذهبی این دولت عصر آشفته‌گی فکری و مذهبی و تعطیلی مراکز تعلیم و تربیت و تنگنای دانشمندانی است که حاضر به همراهی با قرائت رسمی حاکم نبودند. دوران بنی مرین از این جهت متفاوت است. حمایت از اکثر شاخه‌های علمی اعم از علوم دینی و علوم طبیعی در کنار تکریم فراوان عالمان و دانشمندان از یکسو و نهضت مدرسه سازی و گسترش نهادها آموزشی از سوی دیگر، مغرب عصر بنی مرین را به کانون مهم علمی و فرهنگی در غرب سرزمین‌های اسلامی در این دوره تبدیل کرد. ویژگی‌های فرهنگی و علمی این دوره، در کنار بازگشت به قدرت فقه مالکی که در عصر موحدون مهجور گردیده بود، تأثیرات بسزایی را بر جامعه و فرهنگ مغرب بر جا گذاشت (برومند اعلم و انارکی، ۱۳۹۱: ۵۹).

۲- تاریخ نویسان مقتدر را مردی بزرگوار و با سخاوت ذکر کرده‌اند که خلعت و صله فراوان می‌بخشد (ابن طقطقی، بی تا: ۳۰۵).

۳- از نظر اجتماعی دوره ابن فضلان عصری بود که دوره محنت به سر آمده بود و اهل حدیثی توانسته بودند به تدریج قدرت را به دست بگیرند. این امر به ویژه در دارالخلافه بیشتر قابل پیگیری بود زیرا هنوز معتزله به صورت کامل از صحنه سیاسی حذف نشده

بود. اما عصر ابن بطوطه با دوره ابن فضلان از این نظر متفاوت بود که جهان اسلام با پدیده به نام مهاجرت گسترده ترکان و هجوم مغولان روبرو شد که نتیجه این آشفتگی سیاسی - اجتماعی تمایل جامعه اسلامی به تصوف و نحله‌های وابسته به آن بود. از مهم‌ترین جریان‌هایی که در فاصله روی کار آمدن سلاجقه تا سقوط دستگاه خلافت توانست در صحنه جهان اسلام قد علم کند، اندیشه تصوف بود (هولت و لمبتون، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

### نتیجه‌گیری

بر اساس این تحقیق نشان داده شده که این سفرنامه‌ها در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت و ابعاد مختلف آن نگاشته شده است. در این تحقیق تلاش شد دو سفرنامه ابن فضلان و ابن بطوطه که در قرن چهارم و هشتم ک به تصویرپردازی و معرفی آموزش و تعلیم و تربیت می‌پردازند؛ مورد بررسی قرار گیرد. این سفرنامه‌ها با توجه به موقعیت راویان و بر اساس تجارب زیسته و موقعیت مندی خود، هر کدام واجد فهمی از ابعاد مختلف تعلیم و تربیت و تأثیر گذاری آن بر زندگی اجتماعی در جوامع می‌گردند. هر دو سفرنامه‌نویسان با درک جدیدی از مفهوم تعلیم و تربیت روبه رو می‌شوند. بی‌تردید سفرنامه‌ها در میان مسلمین یک ذخیره علمی ارزشمند، ژرف، گسترده و البته ناشناخته در حوزه آموزش و تربیت بوده که در دوران کنونی، نقشی بی‌بدیل در شناخت نسل امروزی داشته. نقش سفرنامه ابن بطوطه و ابن فضلان در پرداختن به موضوعات آموزش به صورت برجسته نبوده بلکه آن را از میان حکایات و خاطرات مختلف می‌بایست استنباط و استخراج کرد؛ به عبارت دیگر، این شناخت به صورت تدریجی و چند مرحله‌ای بدست می‌آید. زیرا روش سفرنامه‌نویسی توصیفی بوده، در بیان نسبت دانش مسلمین و سفرنامه‌ها، گفته شد که آن‌ها در ذیل تاریخ نگاری سفر قرار دارند و خود تاریخ نگاری، یکی از جریان‌های دانش و شناخت در تمدن اسلامی است. روش دو سفرنامه‌نویس مسلمان علیرغم اینکه در دو قرن متفاوت زندگی می‌کردند اما آن‌ها با توجه به روش توصیفی تلاش نموده اوضاع را تبیین نمایند. رهاورد شناخت سفرنامه‌های یاد شده در باره نهاد آموزش و تربیت، مکتب خانه و مدارس علمیه، خانقاه‌ها، مدارس سیاره، علم با معنویت و اخلاق، آموزش دختران، تأمین هزینه‌های تحصیل آن‌ها و چگونگی تحصیل در شهرهای مختلف ایران و بلاد اسلامی که حاصل مشاهدات مستقیم خود بوده، درک واقعی از آن

دوران تاریخی به خواننده انتقال دهند. لازم به ذکر است؛ توجه به مسائل آموزش دینی از مهم ترین دغدغه های ابن فضلان و ابن بطوطه بوده است.

### منابع

- ابن بطوطه، ابو عبدالله، (۱۳۳۷)، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ابن خلدون، (۱۳۶۴)، العبر، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۳۶۰)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی؛ تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن فضلان، احمد، (۱۳۴۵)، سفرنامه، ترجمه ابولفضل طباطبائی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۹۵۵)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- آئینه وند، صادق؛ گراوند، مجتبی، (۱۳۹۰)، شیوه سفرنامه نویسی در مغرب و اندلس؛ مطالعه موردی الرحله المغربیه ابو عبدالله عبدری (قرن ۴ تا ۸ هجری)، پژوهش های تاریخی، دوره جدید، سال سوم؛ شماره چهارم، صص ۲۲-۱.
- بارانی، محمد رضا، (بی تا)، معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان.
- برومند اعلم، عباس؛ انارکی، رقیه، (۱۳۹۱)، نهادهای آموزشی در مغرب اقصی در عصر بنی مرین، مطالعات تاریخ اسلام، سال چهارم شماره ۱۵.
- بغدادی، ابو منصور عبدالقاهر، (۱۳۵۸)، الفرق بین الفرق، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران: اشراقی بهادر، محمدخان، (تیر ۱۳۱۴)، بزرگان: ابن بطوطه، مجله مهر، شماره ۲۶
- بهمنی، مرتضی علی، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی سفرنامه های متفکران اسلامی با تأکید بر فرهنگ ها از ق ۸-۴ «ه. ق»، پایان نامه.
- پور احمد، احمد، (بهار ۱۳۷۷)، تاریخ و فلسفه جغرافیا: نقش جغرافیدانان مسلمان در پیشبرد علم جغرافیا، دانشگاه انقلاب، شماره ۱۱۱
- تکمیل همایون، ناصر، (زمستان ۱۳۸۵)، اوضاع روسیه در سفرنامه ابن فضلان، موسسه فرهنگی مطالعاتی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره دوم
- ثقفی، سید محمد، (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، فرهنگ شناسی در سفرنامه ابن بطوطه در قرن هشتم، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره ۱

- ثقفی، سید محمد، (خرداد و تیر ۱۳۷۵)، بررسی مسائل اجتماعی - فرهنگی سفرنامه ابن فضلان، آینه پژوهش، شماره ۸
- جوینی، عظاملک، (۱۳۸۲)، تاریخ جهانگشا. تصحیح محمد قزوینی. تهران: انتشارات دنیای کتاب
- حبیبی، حسن، (۱۳۸۵)، چند نمونه از داده‌های جامعه شناختی و روان شناختی در سفرنامه ابن بطوطه، فصلنامه انجمن، شماره ۲۱
- حموی، یاقوت، (۱۳۷۴ هـ. ق)، معجم البلدان، بیروت، دار الصادر
- ذاکری، علی اکبر، (زمستان ۱۳۷۶) نگاهی به جهانگردی در تمدن اسلامی، کاوشی نو در فقه، شماره ۱۴
- ذکاوئی فراگزلو، علیرضا، (دی ۱۳۷۷) ابن بطوطه، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۵
- رضا، عنایت الله، (۱۳۷۰)، ابن فضلان، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد چهارم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- رضایی، مرتضی، (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، درآمدی بر سفرنامه‌های مسلمانان در عصر عباسی، تاریخ نو، سال دوم، شماره ۳
- رضایی، رضا، شیخ، محمد، (پاییز ۱۳۹۴)، زبان فارسی در هند بر اساس ملاحظات ابن بطوطه، مطالعات شبه قاره، شماره ۲۴
- رودگر، محمدعلی، (بهار ۱۳۷۶)، تصویری از اوضاع فرهنگی و علمی ایران در سفرنامه ابن بطوطه، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۴
- شبارو، عصایم محمد، (۱۳۸۶)، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۳) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر
- فروغی، محمد علی، (۱۳۱۶)، مردم شناسی چیست؟، مجله مردم شناسی، سال هشتم.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، (۱۳۷۶)، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کولسینکف، آ. ای، (۱۳۵۷)، ایران در آستانه یورش تازیان، ترجمه م. ر. یحیایی، تهران: آگاه.
- گراوند، مجتبی، (۱۳۸۷)، رحلان و رحله نویسی در تمدن اسلامی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد مرکز، تهران؛ با تکیه بر مطالعه موردی ابن فضلان، ابن جبیر و ابن بطوطه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- لسترینج، گای، (۱۳۶۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

محمدی ملایری، محمد، (۱۳۷۹)، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال به عصر اسلامی، تهران: توس

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۶۵)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

موسوی، سید هادی، (تابستان ۱۳۹۲)، رخدادهای مهم در سفرنامه ابن فضلان با تکیه بر هرمونتیک گادامری، نیمسال نامه تاریخ نو، شماره پنجم

نصیب، سید امید علی، (۱۳۸۲)، سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم شناسی، کاوش نامه، سال چهارم، شماره ۵ و ۶.

نفیس احمد، (۱۳۷۶)، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ترجمه حسن لاهوتی (چاپ اول: انتشارات آستان قدس رضوی).

هولت و لمبتون، (۱۳۸۱)، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر.

وجدی، محمد فرید، (بی تا)، دائرة معارف القرن العشرون، المجلد الرابع، بیروت، دار الفکر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۶۶)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۰۸



سیاست جهانی